

استاد محترم



دانشگاه سمنان

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

عنوان:

نقش و جایگاه رئیس قوه قضاییه در بررسی و نقض آراء

استاد راهنما:

دکتر محمد ابوعطا

استاد مشاور:

دکتر علی قسمتی تبریزی

پژوهشگر:

سید حسام الدین کیا

اسفند ماه ۱۳۹۵



دانشگاه سمنان
دانشکده علوم انسانی

شماره:
تاریخ:

صور تجلیسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای سید حسام الدین کیا - به شماره دانشجویی: ۹۲۱۱۲۷۵۰۲۷ - رشته: حقوق خصوصی - تحت عنوان:

" نقش و جایگاه رئیس قوه قضائیه در بررسی و نقض آراء " در سید ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۵ - در حضور استادان راهنما: مسعود و هیات داوران در دانشکده علوم انسانی تشکیل گردید و در این جلسه پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت.

نامبرده نمره (به عدد حروف) ۱۷/۵ هفتاد و هفت درصد با درجه خوب دریافت نمود.

امضاء

استاد راهنما: دکتر محمد ابوعلی

امضاء

استاد مساور: دکتر علی قسمتی تبریزی

امضاء

استاد داور داخلی خارجی: دکتر مجتبی جعفری

استاد داور دانشی خارجی: دکتر روح الله جوادی

دکتر بهروز گل محمدی
رئیس دانشکده علوم انسانی

دکتر قدرت الله جباریان
معاون آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشکده

پایان

**کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات، و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه (رساله) متعلق به
دانشگاه سمنان است.**

*****تعهدنامه*****

اینجانب **سید حسام الدین کیا** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است و در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی) ... با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هر گونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش صلب می‌نمایم. در ضمن، مسئولیت هر گونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچگونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تقدیم به:

مرحوم پدرم

تشکر و قدردانی:

خداوند را هزاران بار سپاس می گویم که در سایه لطف او توفیق به پایان رساندن این مرحله از تحصیل و اتمام این پژوهش برایم فراهم گردید
و بر خود واجب می دانم

از استاد راهنمای دلسوز و فرهیخته‌ام جناب آقای دکتر محمد ابوعطا که از ابتدای راه و در طی انجام این پژوهش با راهنمایی های ارزشمند خود مرا در نگارش این اثر یاری نمودند، کمال تشکر خود را ابراز دارم.

همچنین از استاد مشاور گرانقدرم جناب آقای دکتر علی قسمتی تبریزی که زحمت مشاوره‌ی این پایان نامه را متقبل شدند، بسیار متشکرم.

چکیده:

مشکلات زیادی که ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در نظام دادرسی ایجاد نمود موجب شد که قانونگذار مبادرت به اصلاح آن نماید و در طی سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ و در نهایت ۱۳۸۸ اصلاحاتی در آن اعمال گردید. به موجب قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴، چنانچه رئیس قوه قضاییه رأی قطعی را خلاف بین شرع تشخیص دهد می‌تواند آن را بعنوان یکی از جهات اعاده دادرسی قلمداد نموده و بعد از تجویز اعاده دادرسی، جهت رسیدگی مجدد به مرجع صالح ارجاع نماید. حال آنکه این مصوبه قانونگذار در این خصوص، خود متضمن ایراداتی شامل ایرادات ماهوی از قبیل عدم وجود دید جامع نسبت به طرق اعتراض فوق العاده، هم رده قرار دادن دادستان کل با سایر مقامات قضایی از قبیل روسای کل دادگستری استانها و عدم لحاظ سابقه و جایگاه دادستان کل و ایرادات شکلی از قبیل ابهام در خصوص مواعد اعتراض و یا گسترش آیین نامه اجرایی، بیش از حد احکام مقرر در قانون و می‌باشد

علاوه بر ایرادات مطرح شده در خصوص تجدیدنظر خواهی از آراء قطعی سؤال اینجاست که مبنای این اعتراض چیست؟ آیا رئیس قوه به عنوان یک مرجع تجدید نظر محسوب می‌شود یا خیر؛ آنچه از قوانین مدون بر می‌آید این است که مبنای این اعتراض به سه مصوبه مجلس برمیگردد؛ یکی ماده دو قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸، تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و همچنین ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، پایان نامه حاضر به بررسی مواد قانونی مذکور و مسائل پیرامون آنها می‌پردازد.

واژه کلیدی: خلاف بین شرع، خلاف قانون، نقض آراء، اعاده دادرسی، نظارت

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	مقدمه
۱.....	۱. بیان مسئله
۴.....	۲. اهمیت و ضرورت تحقیق
۵.....	۳. اهداف تحقیق
۵.....	۴. پیشینه تحقیق
۷.....	۵. سوالات تحقیق
۷.....	الف: سؤال اصلی:
۸.....	ب: سوالات فرعی:
۸.....	۶. فرضیات تحقیق
۸.....	۷. روش تحقیق
۹.....	۸. موانع تحقیق

فصل اول: مبانی و ویژگی‌های نقش رئیس قوه قضائیه در بررسی و نقض آراء (با تمرکز بر ماده ۱۸ اصلاحی

۸.....	مصوب ۸۵)
۹.....	۱-۱- تعریف رأی قطعی
۹.....	۲-۱- موارد قطعیت آراء
۱۰.....	خروج از موارد قطعیت آراء
۱۱.....	۳-۱- نقض بلا ارجاع
۱۲.....	۴-۱- اعتراض فوق العاده به آراء محاکم
۱۸.....	۵-۱- بررسی اعاده دادرسی کیفری
۱۸.....	۱-۵-۱- ماهیت و مبنای اعاده دادرسی
۲۰.....	۲-۵-۱- اوصاف و ویژگیهای اعاده دادرسی کیفری
۲۳.....	۳-۵-۱- اعاده دادرسی کیفری و اجرای حکم قطعی
۲۴.....	۴-۵-۱- مقایسه اعاده دادرسی کیفری با اعاده دادرسی موضوع ماده ۱۸ اصلاحی ۱۳۸۵

- ۶-۱ بررسی امکان اجرای حکم قطعی مورد اعتراض موضوع ماده ۱۸ اصلاحی..... ۲۸
- ۷-۱- مبانی و جایگاه رئیس قوه قضائیه در نقض آراء (فقه و قانون)..... ۳۱
- ۷-۱-۱- مبانی فقهی نظارت رئیس قوه قضائیه..... ۳۲
- ۷-۲- مبانی قانونی نظارت رئیس قوه قضائیه بر نقض آراء:..... ۳۴
- ۷-۲-۱- قانون اساسی و بررسی تعارض نظارت رئیس قوه قضائیه با قانون اساسی:..... ۳۴
- ۷-۲-۱-۲- قانون عادی و بررسی اداری یا قضایی بودن سمت رئیس قوه قضائیه (با توجه به مشروح مذاکرات مجلس)..... ۳۶
- ۸-۱- قلمروی نظارت رئیس قوه قضائیه..... ۳۸
- ۸-۱-۱- آراء مشمول نظارت رئیس قوه قضائیه..... ۳۸
- ۸-۲- مرجع صادر کننده آراء خلاف بین شرع..... ۴۰
- ۸-۳- شرایط نظارت رئیس قوه قضائیه..... ۴۱
- ۸-۳-۱- خلاف بین شرع..... ۴۱
- ۸-۳-۲- خلاف قانون..... ۴۹
- ۸-۳-۳- مقایسه شرع با قانون و میزان ارتباط هریک در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران..... ۵۲
- ۸-۳-۴- بررسی تعارض نظر اجتهادی رئیس قوه قضائیه با نظر ولی فقیه و مشهور فقها..... ۵۷
- ۸-۳-۵- بررسی موارد تعارض نظر ولی فقیه با مشهور فقها..... ۵۸
- ۸-۴- آثار نظارت رئیس قوه قضائیه بر نقض آراء..... ۵۹
- ۸-۴-۱- اثر تعلیقی..... ۶۰
- ۸-۴-۲- اثر انتقالی..... ۶۲

فصل دوم: سیر تحولات نظارت رئیس قوه قضائیه در نقض آراء در ادوار مختلف تا قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲..... ۶۴

- ۱-۲- بررسی جایگاه رئیس قوه قضائیه در نظارت بر اجرای آراء در مصوبات قانونی قبل از انقلاب..... ۶۵
- ۲-۲- بررسی جایگاه رئیس قوه قضائیه در نظارت بر اجرای آراء قبل از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب..... ۶۷
- ۳-۲- بررسی جایگاه رئیس قوه قضائیه در نظارت بر اجرای آراء در زمان تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب..... ۶۸
- ۴-۲- بررسی جایگاه رئیس قوه قضائیه در نظارت بر اجرای آراء در زمان تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب..... ۶۹

۵-۲- جایگاه رئیس قوه قضائیه در نظارت بر اجرای آراء در زمان تصویب قانون اصلاح ماده ۱۸ قانون اصلاح	۷۲
تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۷۷
۵-۲-۱- مکانیزم اجرایی نقض آراء قطعی به موجب ماده ۱۸ اصلاحی مصوبه ۸۵.....	۷۸
۵-۲-۱-۱- اشخاص صالح در طرح درخواست تجدیدنظر.....	۸۱
۵-۲-۱-۲- شیوه و مهلت طرح درخواست تجدید نظر.....	۸۳
۵-۲-۱-۳- مرجع پذیرش اعتراض و شیوه به جریان انداختن آن.....	۸۷
۵-۲-۱-۴- قلمرو شمول اعمال ماده ۱۸ اصلاحی.....	۸۹
۵-۲-۲- ایرادهای وارده به ماده ۱۸ اصلاحی و آیین نامه آن.....	۸۹
۵-۲-۱- ایرادهای ماهوی.....	۹۶
۵-۲-۲- ایرادهای شکلی.....	۹۹
۶-۲- ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری.....	۱۰۰
۶-۲-۱- متن ماده.....	۱۰۱
۶-۲-۲- مقایسه ماده ۴۷۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری با مقررات پیشین:.....	۱۰۴
۶-۲-۳- معایب ماده ۴۷۷.....	۱۰۷
۷-۲- بررسی نمونه‌هایی از آراء صادره ماده ۱۸ و تحلیل آن‌ها.....	۱۰۷
۷-۲-۱- رأی اول.....	۱۱۰
۷-۲-۲- رأی دوم.....	۱۱۵
نتیجه گیری و پیشنهادات.....	
منابع و مآخذ.....	

مقدمه

۱. بیان مسئله

نظام قضایی هر کشوری بخشی از ساختار و نظام اداری آن کشور محسوب می‌شود که هدف و کارکرد اصلی آن تحقق عدالت و حل و فصل منازعات و اختلافات میان شهروندان است. نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و فلسفه وجودی آن همانا دادگستری و دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی ملت ایران و رفع اختلافات و منازعات میان آنهاست. بدو آغاز رسیدگی در دادگستری از طریق طرح دادخواست و یا شکوائیه آغاز می‌گردد. طرح دادخواست چه به طرق عادی و چه به طرق فوق العاده در قانون احصاء شده می‌باشد. که یکی از این طرق فوق العاده دادرسی است. اما آنچه قابل بحث می‌باشد این است که آیا دادن اختیار بررسی و نقض آراء به رئیس قوه قضائیه بعنوان بالاترین مرجع رسیدگی به شکایات و اعتراضات آن هم تحت عنوان اعاده دادرسی تا چه حد ضروری بوده و با چه مبنایی صورت پذیرفته است و بر فرض ضرورت دلیل این میزان تغییرات گوناگون و در فرض عدم ضرورت دلیل پافشاری قوه مقننه برای حفظ این حق برای رئیس قوه قضائیه بررسی شود و ضمناً تبیین اداری یا قضایی بودن سمت رئیس قوه قضائیه و اثرات مترتب بر آن حائز اهمیت می‌باشد و همچنین بررسی این مسئله که اعطای اختیار مذکور تا به امروز تا چه حد کمک حال نظام قضایی ما بوده است؟ خصوصاً اینکه این اختیار در تعارض با اصل قطعیت آراء قرار می‌گیرد. زیرا براساس این اصل پس از صدور رأی قطعی امکان رسیدگی مجدد وجود ندارد. همچنین سیر تحولات عظیم قوانینی که بر مبنای آن این اختیار به رئیس قوه قضائیه اعطا شده است جای بررسی دارد که به ترتیب ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

این پژوهش در دو فصل تدوین شده است.

در فصل اول تحت عنوان مبانی اعمال نفوذ رئیس قوه قضائیه در بررسی و نقض آراء و اوصاف و ویژگی‌های آن (با تمرکز بر ماده ۱۸ اصلاحی مصوب ۸۵) به بیان مباحث کلی در رابطه با تعاریف رأی قطعی، موارد قطعیت آراء، اعاده دادرسی، ماهیت و مبنای آن و ... پرداخته شده است چرا که برای ورود به بحث آشنایی با این مباحث الزامی است.

در ادامه در مورد مبانی اعطای این حق (نقض آراء صادره) بحث شده است. به این توضیح که اصلاً بر چه مبنایی چنین حقی به رئیس قوه قضائیه اعطا شده است که البته این بررسی با تفکیک مبنای فقهی و قانونی صورت پذیرفته است. ارائه این توضیحات در رابطه با مبانی این حق از آن رو ضروری است که ما قبل از توضیح در رابطه با چگونگی اعمال هر حقی باید مبنای اعطای آن حق را به وضوح مشخص کنیم.

پس از بررسی مبانی وارد مبحث نظارت رئیس قوه قضائیه می‌شویم که طبیعتاً می‌بایست قلمرو این نظارت و همچنین شرط یا شروط نظارت بررسی شود و از آن جایی که شرط نظارت رئیس قوه خلاف بین شرع و قانون بودن آراء می‌باشد ناچار به توضیح مفاهیم خلاف بین شرع و خلاف قانون می‌باشیم. پس از آن برای تبیین دقیق‌تر موضوع خلاف قانون و خلاف شرع بررسی میزان ارتباط این دو ضروری بود که صورت پذیرفته است و در ادامه به بررسی تعارض‌هایی که در مقام اجرای این حق برای رئیس قوه با ولی فقیه یا مشهور فقها وجود می‌آید پرداختیم و در خاتمه هم آثار این نظارت بررسی شده است.

در نگاه اول ذکر آثار نظارت پس از قلمرو و شرط نظارت معقول‌تر به نظر می‌رسد اما مباحثی که در این میان ذکر شده ارتباط مستقیم با مبحث شرط نظارت داشته و به همین دلیل ترتیب مباحث

به این شکل در آمده است و به عنوان حسن ختام این فصل مختصراً به بررسی آثار مختلف نظارت به صورت خلاصه پرداختیم.

اما در فصل دوم با عنوان بررسی سیر تحولات نظارت رئیس قوه قضائیه در بررسی و نقض آراء (از قبل از انقلاب تا زمان تصویب ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری جدید) پیرامون تغییرات مواد قانونی این حق صحبت می‌کنیم.

تغییرات متعددی که در ادوار مختلف در رابطه با این حق برای رئیس قوه بوجود آمده است به واقع ما را ناچار می‌کرد که سیر گسترده‌ی این تحولات را در یک فصل جداگانه مطرح کرده و بیان کنیم چرا هر یک از این قوانین دچار تغییراتی شده‌اند و علیرغم همه این تغییرات در خیلی از موارد نتوانستند راه گشا باشند و دائماً جای خود را به قوانین بعدی داده‌اند.

در بیان میزان تحولات این قانون همین بس که نام اصلی‌ترین قانون کانون توجه ما در این مقاله به این شکل ناموزون درآمده است (قانون اصلاح ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب)!!!!!! فلذا به صورت خلاصه این تحولات را از زمان قبل از انقلاب تا زمان تصویب ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری جدید بررسی کردیم و در این حین تا حدودی دلایل تغییرات متعدد این مواد و ایرادات وارد به آن‌ها را مورد بررسی قرار دادیم. در ادامه چند نمونه از آراء ماده ۱۸ را بررسی و تحلیل نمودیم و نهایتاً به بررسی و تحلیل ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری جدید به عنوان آخرین مصوبه قانونی در این باب رسیدیم.

در ادامه هم به بررسی نتایج حاصل از این پژوهش و بیان پیشنهادات نگارنده پرداخته شده است.

در نهایت و با توجه به جمیع مباحث فوق محقق در این مقاله به این سؤال اصلی پاسخ خواهد داد که نقش و جایگاه رئیس قوه قضائیه در بررسی و نقض آراء با توجه به اختیارات وی و سیر تحولات مطرح شده چیست.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

مطالعات انجام شده و تجربیات موجود در دستگاه قضایی کشور نشان می‌دهد که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و همچنین قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ایجاد نهاد تجدید نظر خواهی فوق‌العاده به ترتیب مقرر در ماده ۱۸ اصلاحی مشکلاتی را در مسیر رسیدگی و احقاق حق، اجرای عدالت و فصل خصومت به دلیل عدم وجود دیدگاهی جامع نگر نسبت به طرق اعتراض به آراء در نظام دادرسی کشور ایجاد کرده است و زمینه ساز ایجاد مسائل متعددی در زمینه نحوه درخواست و چگونگی اجرای این قوانین گشته است. این امر بر اهمیت مطالعه و بررسی این قوانین و همچنین آیین‌نامه‌های متعدد اجرایی آنها در ادوار مختلف می‌افزاید.

با توجه به اینکه در حال حاضر در کشور حق اعتراض به آراء قطعی به رئیس قوه قضائیه داده شده است پرداختن به این امر از این جهت ضروری است که آیا اعطای چنین اختیاری به رئیس قوه قضائیه به صرف دارا بودن بالاترین مقام قضایی از زمان تصویب و اجرایی شدن تا کنون مؤثر واقع شده است یا خیر؟ و اینکه اگر واقع بینانه بنگریم اعطای چنین اختیاراتی با این میزان از گشاده دستی کمکی به بهبود نظام قضایی کشور ما در راستای صدور آراء کم نقص کرده است یا خیر.

با علم به اینکه قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب خصوصاً در ارتباط با ماده ۱۸ دستخوش تحولات متعددی شده است لذا بررسی سیر این تحولات و همچنین اینکه این تعداد اصلاحیه و آیین

نامه‌های اجرایی به چه دلیل و با کدام پشتوانه نظری و حقوقی انجام شده از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

۳. اهداف تحقیق

در این مقاله بدواً و به عنوان هدف اصلی به دنبال بررسی دقیق جایگاه رئیس قوه قضائیه در نقض آراء و همچنین تبیین مبنای اعطای چنین حقی به ایشان می‌باشیم و به عنوان اهداف فرعی مباحث زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. تبیین اداری یا قضایی بودن سمت رئیس قوه قضائیه
۲. تبیین مفهوم خلاف بین شرع و خلاف قانون و میزان ارتباط این دو
۳. تبیین دلایل تغییرات متعدد مواد قانونی مرتبط با اعطای حق نقض آراء
۴. تبیین دقیق ماهیت ماده ۱۸ و میزان تطابق آن با اعاده دادرسی کلاسیک
۵. تبیین میزان کارآمدی قوانین و آیین نامه‌های اخیرالتصویب از جمله ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری جدید در ایجاد یک نظام دادرسی قانونمند در مبحث نقض آراء

۴. پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی نقض آراء توسط رئیس دادگستری کتب و مقالات ارزشمندی به رشته تحریر در آمده‌اند که ذیلأً به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده و به مواردی از کاستی‌های آن‌ها که در این پژوهش

سعی بر برطرف کردن آن داشته‌ایم اشاره می‌کنیم. بدین ترتیب که کتاب دکتر نهرینی و پژوهش آقای پور قهرمانی به صورت مشروح و آثار بعدی را صرفاً از باب اشاره مطرح می‌نماییم.

فریدون نهرینی در کتابی با عنوان «اعاده دادرسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه (با تجدید نظر و اضافات بر مبنای قوانین جدید)» به این نتیجه رسیده است که به موجب ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۴، تشخیص رئیس قوه قضائیه بر اعلام مخالفت بین رأی قطعی معترض عنه با احکام شرع، به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی معرفی و تأسیس شد. در غیر مواردی که در ماده ۱۸ اصلاحی قانون آمده و وضع گردیده، تابع شرایط و احکام قانونی ناظر به طریق اعاده دادرسی می‌باشد. بنابراین از حیث موضوع این طریق فوق‌العاده می‌باید رأی مخالف بین شرع را که در ماده ۱۸ اصلاحی به تشخیص و تجویز رئیس قوه قضائیه نهاده، منصرف به حکم دادگاه دانست و قرارهای دادگاه را از شمول آن خارج ساخت.

بابک پور قهرمانی کلتپه، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طرق فوق‌العاده اعتراض بر احکام کیفری» به این نتیجه رسیده است که با تمامی دقت نظرها و وسواس‌هایی که قضات مراعات می‌نمایند گاه اشتباهات و خطاهایی که لازمه طبیعت بشری است، در آراء آنان صورت می‌گیرد که یکی از راهکارهای جلوگیری از این اشتباهات طرق فوق‌العاده رسیدگی می‌باشد. طرق مذکور با توجه به قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و قوانین دیگر که هم اکنون نیز قابلیت اجرا دارند عبارتند از: ۱- اعتراض بر اساس ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸، ۲- اعاده دادرسی. ۳- اعتراض از طریق شعب تشخیص. ۴- اعتراض رئیس قوه قضائیه از آراء قطعیت یافته شعب تشخیص. طرق فوق‌العاده اعتراض استثناً بر اصل بوده و باید محدود باشد با این وجود به نظر

می‌رسد که در وضعیت کنونی با توجه به گسترش طرق فوق العاده اعتراض، آراء دادگاه‌ها متزلزل بوده و به مرحله اعتبار امر مختوم گام نگذارد.

حامد حسن زاده خوشدونی، بررسی قطعیت آراء در نظام کیفری ایران با توجه به اختیارات رئیس قوه قضائیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه قم.

هادی عزیززاده، نقش اعاده دادرسی کیفری در احقاق حق محکومان، گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه قم.

در تمامی آثار فوق به دلیل اینکه غالباً قبل از سال ۹۲ تدوین شده‌اند به ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری جدید که در حال حاضر ماده اصلی بحث نظارت رئیس قوه می‌باشد اشاره‌ای نشده است. مبحث بعدی اینکه در آثار فوق اشاره دقیقی به سیر تحولات ماده ۱۸ با بررسی دلایل این تغییرات صورت نپذیرفته است و نکته پایانی اینکه این آثار به صورت رویه‌ای کار نشده و حتی به آراء مرتبط با ماده ۱۸ در ادوار مختلف پرداخته نشده است.

۵. سوالات تحقیق

در این بخش به بررسی یک سؤال اصلی و دو سؤال فرعی می‌پردازیم.

الف: سؤال اصلی:

نقش و جایگاه رئیس قوه قضائیه در بررسی و نقض آراء چگونه است؟

ب: سؤالات فرعی:

- أ. آیا اعطای چنین حقی به رئیس قوه قضائیه با اصل قطعیت آراء تناقض ندارد؟
- ب. آیا این میزان تحولات عظیم در مواد قانونی در باب اختیار رئیس قوه قضائیه در نقض آراء نهایتاً کمکی به بهبود شرایط دستگاه قضا کرده است؟

۶. فرضیات تحقیق

- أ. به نظر می‌رسد اعطای چنین حقی به رئیس قوه قضائیه بعضاً می‌تواند کمک حال زیان دیدگان باشد خصوصاً در مواردی که حق آن‌ها ضایع شده اما به دلایل گوناگون امکان رسیدگی مجدد وجود ندارد.
- ب. به نظر می‌رسد حتی با فرض کارا بودن این اختیار برای رئیس قوه، اعطای این حق با اصل قطعیت آراء در تعارض مستقیم بوده و دائماً بیم نقض آراء قطعی را برای محکوم له ایجاد می‌نماید.
- ج. به نظر می‌رسد تحولات گسترده در باب این اختیار علیرغم مضراتی که داشته حداقل از جهت کاهش حجم پرونده‌های سرازیر به سمت دادگستری تحت عنوان خلاف شرع بودن آراء مؤثر بوده است.

۷. روش تحقیق

مطالب مذکور در پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفته است. و نگارش مطالب به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و رویه عملی نیز با مراجعه به دادگاه‌های تجدید نظر و ذکر آراء، ملحوظ نظر واقع شده است.

۸. موانع تحقیق

در گردآوری این مقاله با مشکلات متعددی مواجه بودیم که شاید اصلی‌ترین آنها کمبود منابع در رابطه با ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری جدید به واسطه اخیرالتصویب بودن آن باشد. مورد بعدی صعوبت دسترسی به آراء ماده ۱۸ به واسطه استثناء بودن این ماده و کاهش شدید موارد پذیرش آن در سال‌های اخیر بود و همچنین مشکلات عدیده‌ی دیگر که از بیان آن‌ها خودداری می‌ورزیم.